

The Place of Free Will in Islamic Spirituality from the Perspective of ‘Allāmah Miṣbāḥ Yazdī*

Seyyed Sadegh Mirsatarī  / Ph.D. in Religions and Mysticism, Imam Khomeini Educational and Research Institute

ssmirsatar@chmail.ir

Received: 2025/10/11 - Accepted: 2026/07/21

Abstract

In Islamic teachings, free will (ikhtiyār) occupies a distinctive position. The transcendence and development of the human being across all dimensions of life are rendered possible under the aegis of human free will. Generally speaking, even in spiritual matters, the disregard of individuals' free will and volition is impossible, for human movement along the path of proximity to God (qurb ilā Allāh) cannot occur without free will. Nevertheless, one of the most challenging issues among scholars concerns the relationship between free will and spirituality. ‘Allāmah Miṣbāḥ Yazdī, as one of the great Islamic thinkers, has addressed spiritual and mystical questions in his works. This research aims to elucidate and analyze the place of free will in Islamic spirituality on the basis of ‘Allāmah Miṣbāḥ Yazdī's thought, employing a descriptive-analytical method. The findings of this study indicate that he regards free will as essential in spiritual affairs. God has provided the human being with spiritual potentials and predispositions, and it is through free will that the individual must traverse the path of spirituality.

Keywords: Free Will, Spirituality, Islamic Spirituality, Spiritual, Proximity to God, ‘Allāmah Miṣbāḥ Yazdī.

* This paper was presented at the international conference "Islamic Humanities: In Commemoration of Allamah Mohammad Taqi Mesbah Yazdi".



جایگاه اختیار در معنویت اسلامی از منظر علامه مصباح یزدی*

ssmirsatar@chmail.ir

سیدصادق میرستاری  / دکترای ادیان و عرفان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ - پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۳۰

چکیده

در آموزه‌های اسلامی، اختیار جایگاه ویژه‌ای دارد. تعالی و رشد انسان در تمام ابعاد زندگی تحت لوای اختیار انسان امکان‌پذیر است. به‌طورکلی، در مسائل معنوی نیز چشم‌پوشی از اختیار و اراده افراد، ناممکن است؛ زیرا حرکت انسان در مسیر قرب الی الله بدون اختیار ممکن نیست. بالین‌حال، یکی از مباحث چالش‌برانگیز در بین صاحب‌نظران، نسبت بین اختیار و معنویت است. علامه مصباح یزدی به‌عنوان یکی از متفکران بزرگ اسلامی در آثار خود به مسائل معنوی و عرفانی پرداخته است. این پژوهش با هدف تبیین و تحلیل جایگاه اختیار در معنویت اسلامی بر اساس اندیشه علامه مصباح یزدی با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. نتایج این پژوهش چنین است که ایشان اختیار را در امور معنوی ضروری می‌دانند. خداوند استعدادها و زمینه‌های معنوی را برای انسان فراهم ساخته است و او باید با اختیار مسیر معنویت را پیماید.

کلیدواژه‌ها: اختیار، معنویت، معنویت اسلامی، معنوی، قرب الی الله، علامه مصباح یزدی.

* این مقاله در همایش بین‌المللی «علوم اسلامی انسانی؛ بزرگداشت علامه محمدتقی مصباح یزدی» ارائه شده است.

مقدمه

معنویت از جمله مفاهیم بنیادین در نظام معرفتی اسلام است که تفسیر آن، نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین غایت زندگی انسانی، اخلاق و سلوک دینی دارد. با وجود اتفاق نظر کلی بر اهمیت معنویت در حیات فردی و اجتماعی، تعریف و تبیین ماهیت آن همواره محل اختلاف دیدگاه‌ها بوده است، به‌ویژه در دوران معاصر که قرائت‌های متنوعی از معنویت، گاه فارغ از مبانی الهیاتی و انسان‌شناختی دین رواج یافته است. در این میان، معنویت اسلامی به‌عنوان جریانی مبتنی بر خداوندمحوری، وحی‌مداری و مسئولیت اخلاقی انسان، ویژگی‌هایی دارد که آن را از الگوهای سکولار یا تجربه‌گرایانه معنویت متمایز می‌سازد.

از منظر اندیشه اسلامی، معنویت امری گسسته از عقل، اراده و مسئولیت انسانی نیست، بلکه به‌طور وثیق با اختیار انسان پیوند دارد. پرسش از نسبت میان اختیار و معنویت، ناظر به این مسئله اساسی است که حرکت انسان در مسیر تقرب الهی تا چه اندازه متکی بر اراده و انتخاب آگاهانه اوست و نقش افاضه و هدایت الهی در این میان چگونه تبیین می‌شود. این پرسش، افزون بر بُعد انسان‌شناختی، دارای پیامدهای مهم الهیاتی و اخلاقی است و تلقی‌های متفاوت از آن می‌تواند به برداشت‌های متفاوتی از سلوک معنوی، مسئولیت اخلاقی و حتی سرنوشت انسان بینجامد.

آیت‌الله مصباح یزدی به‌عنوان یکی از متفکران برجسته معاصر در حوزه‌های فلسفه اسلامی، کلام و اخلاق در آثار متعدد خود به تبیین ابعاد مختلف معنویت، تربیت اخلاقی و رشد روحی انسان پرداخته است. هرچند ایشان تعریف اصطلاحی و مستقلاً از معنویت ارائه نکرده‌اند، اما با تحلیل مجموعه دیدگاه‌های ایشان می‌توان معنویت را در اندیشه وی به‌منزله «پیوند آگاهانه و قلبی انسان با خدای متعال در مسیر تقرب الهی» تلقی کرد؛ پیوندی که بدون فرض اختیار و اراده انسان قابل تحقق نیست. بر این اساس، اختیار در اندیشه علامه مصباح یزدی نه تنها شرط امکان تکلیف و مسئولیت اخلاقی، بلکه رکن اساسی تحقق معنویت اصیل اسلامی به‌شمار می‌آید.

با وجود اهمیت این موضوع، بررسی‌های انجام‌شده درباره معنویت اسلامی غالباً یا به تبیین کلی مفهوم معنویت پرداخته‌اند یا به تحلیل سلوک اخلاقی و عرفانی بدون تمرکز مستقل بر نقش اختیار بسنده کرده‌اند. از سوی دیگر، پژوهش‌هایی که به اندیشه علامه مصباح یزدی پرداخته‌اند، بیشتر ناظر به مباحث فلسفی، کلامی یا اخلاقی ایشان بوده و نسبت «اختیار» و «معنویت» در دستگاه فکری وی به‌صورت منسجم و مستقل مورد واکاوی قرار نگرفته است. این امر نشان‌دهنده وجود خلأ پژوهشی در تبیین جایگاه اختیار در معنویت اسلامی بر اساس اندیشه علامه مصباح یزدی است.

مسئله اصلی این پژوهش آن است که اختیار چه جایگاهی در تبیین معنویت اسلامی از منظر علامه مصباح یزدی دارد و این جایگاه چگونه با هدایت و افاضه الهی قابل جمع است؟ به بیان دیگر، این پژوهش در پی پاسخ به

این پرسش بنیادین است که در اندیشه علامه مصباح یزدی نقش اراده انسانی در سلوک معنوی چیست و حدود و ثغور دخالت الهی در این مسیر چگونه تفسیر می‌شود؟

بر این اساس، سؤالات اصلی پژوهش عبارت‌اند از:

۱. معنویت از منظر اندیشه اسلامی و با تأکید بر دیدگاه علامه مصباح یزدی چگونه قابل تعریف و تبیین است؟

۲. اختیار انسان چه نقشی در تحقق معنویت اسلامی در اندیشه علامه مصباح یزدی ایفا می‌کند؟

۳. نسبت میان اراده انسانی و هدایت الهی در سلوک معنوی از منظر ایشان چگونه تبیین می‌شود؟

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با رجوع به آثار مکتوب علامه مصباح یزدی، به تحلیل مفهومی و نظام‌مند جایگاه اختیار در معنویت اسلامی می‌پردازد. مقاله حاضر در چند مرحله به بررسی موضوع می‌پردازد که در گام نخست به تبیین مفهوم معنویت در چارچوب اندیشه اسلامی و آثار علامه مصباح یزدی اختصاص دارد، سپس جایگاه اختیار در سلوک معنوی انسان را بررسی می‌کند و در نهایت، نسبت میان اراده انسان و افاضه الهی در مسیر تقرب الی الله را بر اساس مبانی فکری ایشان تحلیل می‌نماید.

۱. معنویت اسلامی در اندیشه علامه مصباح یزدی

به‌طور کلی، اختیار در آموزه‌های دین اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مباحث اخلاقی اسلام، نیز از این قاعده مستثنا نیست، به‌طوری‌که اختیار، یکی از ارکان اساسی اخلاق به‌شمار می‌رود.

۱-۱. جایگاه اختیار در معنویت اسلامی از منظر علامه مصباح یزدی

علامه مصباح یزدی معتقد است که فعل اختیاری انسان، متعلق ارزش اخلاقی است، به همین سبب، انگیزه‌ها و امور فطری که جبراً و تکویناً در وجود انسان نهاده شده، متعلق ارزش اخلاقی نیستند؛ نه ارزش مثبت دارند و نه ارزش منفی (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۲، ص ۶۱)، اما آیا این حکم، چتر خود را بر سر موضوعات معنوی نیز می‌گستراند یا خیر؟ آیا در امور معنوی نیز اختیار به همین اندازه مهم است که اگر از حوزه اختیار انسان خارج باشد فعل معنوی محسوب نشود؟ به‌عنوان مثال، کسی که خداوند بدون اراده او، زمینه و اسباب یک تجربه معنوی را فراهم کرده و آن شخص بدون اختیار، آن امر معنوی را درک کرده است، اما بعد از آن ره‌ایش کرده، آیا معنویت محسوب می‌شود یا اینکه به خاطر نقش نداشتن اراده و اختیارش، معنویت به‌شمار نمی‌رود؟ مثلاً انسان شرور و فاسدی که بر حسب اتفاق در یک امر معنوی شرکت می‌کند و شرکت کردن او نیز بنا بر اختیار نبوده، بدون اراده خودش، خداوند اسباب و زمینه‌های درک آن حال معنوی را برای وی فراهم کرد، اما حال معنوی و آن فضای معنوی را درک کرده است، سپس آن را رها کرده، یا اینکه شخصی به خاطر دیدن یک صحنه وحشتناک، مثلاً لحظه وقوع تصادف، دلش ناخواسته متوجه خدا می‌شود و ارتباط قلبی با خداوند متعال برقرار می‌کند، آیا این تجربه معنوی که خداوند شرایط را برای قرار گرفتن این شخص شرور و بهره‌مند شدن از تجربه معنوی مهیا کرده است،

معنویت محسوب می‌شود یا خیر؟ اگر معنویت محسوب می‌شود، آیا ارزش معنوی هم دارد، یا به خاطر اختیاری نبودن عمل او، فاقد ارزش است؟ لازم به ذکر است که چون این پژوهش از منظر علامه مصباح یزدی بررسی می‌گردد لازم است برای رسیدن به پاسخ روشن و قانع‌کننده، باید چند مسئله دیگر نیز طبق نظر ایشان تبیین گردد. اول. از منظر علامه مصباح یزدی، معنویت به چه معنا است؟

دوم. در امور معنوی لطف و عنایت خداوند متعال تا چه اندازه است و اراده و اختیار خود انسان چقدر اهمیت دارد؟ سوم. اینکه ارزش معنوی داشتن به چه معنا است؟

۱-۲. تعریف معنویت

معنویت، واژه‌ای است که امروزه بر سر هر کوی و برزن بر زبان‌ها جاری است. مکاتب زیادی، اعم از مکاتب الهی و انحرافی آن را به سوی خود کشانده و داعیه‌دار ترویج آن شده‌اند، اما آنان در تعریف این واژه، همدل و همسان نیستند.

برخی در تعریف معنویت گفته‌اند: معنوی از ریشه (عنی)، منسوب به معنی و خلاف مادی است؛ معنویات، یعنی آنچه خلاف مادیات است، حالت نفس و باطن (بستانی و مهیار، ۱۳۵۷، ص ۸۴۲). برخی نیز گفته‌اند: معنوی، منسوب به معنی، به معنای حقیقی، باطنی و روحانی می‌باشد و در مقابل آن، صوری و مادی است. در اصطلاح تعریف‌های متفاوتی برای آن بیان کرده‌اند. این واژه که نزد غربیان نیز معنای گسترده‌ای دارد و شامل هر نوع معناگرایی می‌شود (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۲۱). گفته شده: برای تعریف لغوی معنویت، دو کاربرد ذکر شده است. برخی واژه (spirituality) - که در زبان انگلیسی برای معنویت به کار می‌رود - را به دو گونه معنا کرده‌اند اگر با (s) بزرگ نوشته شده باشد، شامل وجودی مقدس می‌شود و اگر با (s) کوچک نوشته شده باشد، برای بیان توصیف تجربیات روان‌شناختی به کار می‌رود که هیچ ارتباطی با موجود مقدس ندارد. کاربرد آن برای بیان تجربیات شگفت‌انگیز ارتباط با طبیعت یا ارتباط با دیگران می‌باشد (رستگار، ۱۳۸۹، ص ۵۶).

هنگامی که واژه معنویت اسلامی گفته شده که واژه معنویت در منابع اسلامی به این شکل نیامده، اما با توجه به معنای لغوی، می‌توان این‌طور گفت: منظور از معنویت، عالم باطن و حقیقت و روح جهان مادی می‌باشد و عده‌ای از انسان‌ها به مرتبه‌ای رسیده‌اند که از علم و ایمان و معرفت نسبت به آفریننده هستی برخوردار می‌شوند و چیزهایی از عالم معنا را درک می‌نمایند که بر دیگران پوشیده است و می‌توان معنویت اسلامی را با استفاده از آیات و روایات چنین تعریف کرد: «حیات طیبه و نورانیت دل، از طریق معرفت، ایمان، عمل صالح و بندگی خدا بر اساس شریعت اسلامی» (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۲۱-۲۳). شهید مطهری معتقد است که مفهوم معنویت، تشکیکی، و برخاسته از پیوند میان فطرت و معنویت است، او همانند علامه طباطبائی فطرت را منشأ معنویت می‌داند (غفاری قره‌باغ، ۱۴۰۰، ص ۷۸).

علامه مصباح یزدی می‌فرماید: معنای روح، ارزش، اخلاق و معنویت از نظر مادی‌گرایان با معنایی که در اسلام برای این امور به کار می‌رود، متفاوت است. مادی‌گرایان روح را موجودی سوای از بدن نمی‌دانند، بلکه روح را از خصوصیات همین بدن می‌دانند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ج، ص ۶۰).

بنابراین، نوع نگاه جنبش‌های معنوی نوظهور، با معنویت اسلامی متفاوت است. معنویت در آموزه‌های اسلامی ویژگی‌های خاص خود را دارد. این خصلت‌ها، وجه تمایز بین معنویت اسلامی با معنویت‌های نوظهور می‌باشند. ازجمله این ویژگی‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

توحیدمحوری خالصه بارز معنویت اسلامی است. همه هستی حول محور خدای متعال می‌چرخد. پروردگار عالم، منبع کمال است، کمال‌جویان رشد خود را در قرب الی الله جست‌وجو می‌کنند.

دومین ویژگی معنویت اسلامی آخرت‌باوری است. زندگی دنیایی مقدمه‌ای برای زندگی بی‌پایان آخرتی است، زندگی دنیایی با سرنوشت آخرتی گره خورده است.

سومین خصوصیت معنویت اسلامی این است که در چارچوب متون دینی، خصوصاً قرآن کریم شکل گرفته است و آموزه‌های خود را از متون دینی دریافت کرده است، اما بسیاری از معنویت‌های نوظهور هیچ‌کدام از این ویژگی‌ها را ندارد (سهرابی‌فر و دیگران، ۱۴۰۲، ص ۱۶).

معنویت، در برخی از رشته‌های مربوط به علوم انسانی مانند روان‌شناسی و همچنین پیروان ادیان، جزو مفاهیم متداول شمرده می‌شود، تعاریف زیادی برای آن ارائه شده (ر.ک. رستگار، ۱۳۸۹، ص ۵۶ بعد)، اما تعریف دقیقی که جامع افراد و مانع اغیار باشد ارائه نشده است (غفاری قره‌باغ، ۱۴۰۰، ص ۲۵). در کتاب معنویت در سازمان، تعریف‌های مختلفی از معنویت ذکر شده و مورد نقادی واقع شده است (ر.ک. رستگار، ۱۳۸۹، ص ۵۶). حال باید ببینیم که علامه مصباح یزدی معنویت را چگونه معنا کرده است.

۱-۳. تعریف و مؤلفه‌های معنویت اسلامی در اندیشه علامه مصباح یزدی

با جست‌وجویی که در آثار علامه مصباح یزدی انجام شد، با اینکه مطالب زیادی در مورد معنویت از ایشان ذکر شده، ولی تعریفی درباره معنویت ارائه نشده است، اما می‌توان بر اساس مطالب ارزشمندی که در این زمینه از ایشان به یادگار مانده است، پی به نظر و تعریف مختار ایشان برد. وی در فرمایشاتی که جهت تبیین بیانیه گام دوم انقلاب ایراد فرمودند، به دو نوع تعریف برای معنویت اشاره می‌کنند ایشان فرمودند:

ماییم که باید حقیقت معنویت و اخلاق را بشناسیم، البته از دیدگاه اسلام؛ وگرنه این مسایل مفهوم‌های عام‌تری نیز دارد، حتی بعضی از دولت‌های سابق «معنویت» را به جای «جمهوری اسلامی» به کار می‌بردند و جزو ارزش‌هایی بود که مطرح می‌کردند. برای مثال می‌گفتند: برای معنویت انقلاب شده است، اما آن را به معنایی که مشترک بین بت‌پرست، مسلمان، یهودی، و مسیحی و لامذهب است، به کار می‌بردند (بیانات آیت‌الله مصباح در جلسه کانون طلوع، ۹۷/۱۲/۱۹).

این فرمایش علامه مصباح یزدی نشان می‌دهد که دو نوع تعریف برای معنویت بیان شده است:

یک تعریف معنویت عام که مشترک بین اسلام و دیگران است؛

یک تعریف معنویت خاص، که همان معنویت اسلامی است؛

آیا خود ایشان نیز این دو تعریف را قبول دارند یا خیر؟

ظاهر همین عبارات بیان‌شده، می‌رساند که معنویت به معنای عام را قبول ندارد و تنها معتقد به معنویت اسلامی هستند. از این رو تأکید می‌کنند که باید دیدگاه اسلام در مورد معنویت را باید بشناسیم. در برخی عبارات دیگر ایشان نیز این مطلب تأیید می‌شود. از جمله:

ایشان در شرح نماز، بین اذکار نماز و توجه قلبی تفاوت قائل شده و گفتن اذکار بدون توجه قلبی را معنویت نمی‌دانند، بلکه توجه قلبی است که معنویت محسوب می‌شود. ایشان می‌فرمایند:

بین اذکار نماز که از سنخ مفاهیمی هستند که در ذهن انعکاس یافته و توجه قلبی که از سنخ الفاظ نیست، بلکه از مقوله علم حضوری و شهودی است، تفاوت وجود دارد. توجه قلبی برای کسانی که حضور خداوند را درک نمایند حاصل می‌شود. ... انسان می‌تواند با استعانت از پروردگار و توجه و تمرکز بر اذکار نماز، حالات معنوی را در خود به وجود آورد یا تقویت نماید (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۹۱).

بر اساس بیانات ایشان، نمازی که با حضور قلب نباشد و صرف گفتن اذکار باشد معنویت محسوب نمی‌شود، بلکه نماز در صورتی باعث معنویت می‌گردد که همراه با حضور قلب باشد. از این رو می‌توان گفت: از منظر علامه مصباح یزدی، معنویت همان ارتباط و پیوند قلبی انسان با خداوند متعال است. برای برقراری ارتباط، باید دو طرف ارتباط وجود داشته باشند، یک طرف انسان و طرف دیگر خدای متعال. توجه قلبی انسان به خدای متعال باعث ایجاد ارتباط و معنویت می‌شود. اگر ارتباط قلبی نباشد و یا به جای خدای متعال با موجود دیگری ارتباط قلبی برقرار نماید، معنویت محسوب نمی‌شود. این مطلب با فرازهایی از کتاب *کاوش‌ها و چالش‌ها* تأیید می‌شود. ایشان می‌فرمایند: کسانی که ولی نعمت خود، یعنی خدای متعال را انکار نمایند، روح معنویت و انسانیت خود را کشته و از بین برده‌اند و هیچ امیدی به تکامل و ترقی آنان وجود ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۶۶). این در حالی است که در بسیاری از زیرشاخه‌های معنویت عام، هیچ اعتقادی به وجود خدای متعال ندارند. درواقع، هدف اصلی از تأسیس این‌گونه معنویت‌ها مبارزه با دین و معنویت حقیقی و محاق بردن دین و اعتقاد به خدای متعال است. این در حالی است که از نظر اسلام، معنویت بدون دین حاصل نمی‌شود. ایشان در کتاب *در جستجوی عرفان اسلامی* می‌نویسد: «به‌رحال تقریباً مسلم است که اصل مسئله توجه به فضایل معنوی و کمالات روحی چیزی است که ریشه در دین و تعالیم وحیانی دارد و از ثمرات آن محسوب می‌شود؛ به‌ویژه بر اساس اعتقادات ما که ظهور اولین بشر بر روی کره زمین (حضرت آدم علیه السلام) را با ظهور اولین دین الهی همراه و هم‌زمان می‌دانیم» (مصباح یزدی، ۱۳۹۸ الف، ص ۱۲۱).

امروزه جامعه بشری از نبود معنویت در رنج و عذاب به سر می‌برد (مصباح یزدی، ۱۳۹۹ب، ص ۱۷). بشر امروزی تمام همت خود را مصروف آبادانی دنیای مادی خویش قرار داده است و مهم‌ترین بعد خود، یعنی بعدی معنوی را به دست فراموشی سپرده است. آیت‌الله مصباح یزدی می‌فرماید:

در اسلام انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است که اصالت با روح و معنویت است و بدن مادی حامل و مرکب انسان حقیقی است. انسان بدون معنویت و اخلاق و دین و توجه به خالق و معبود، اساساً انسان نیست، بلکه حیوانی دویا است، مثل سایر حیوانات، بلکه بدتر از آنها. در نتیجه در تمام شئون بشری - اقتصاد، سیاست، فرهنگ و هنر و... - معنویت و من واقعی و روحانی را اصل و ملاک قرار می‌دهد و دین را به صحنه دنیا و جامعه می‌کشاند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ب، ص ۲۳۶).

اگر جامعه بشری بخواهد به مشکلات خود پایان دهد، راهی جز چنگ زدن به معنویت حقیقی که همان معنویت اسلامی است، ندارد و معنویت اسلامی، یعنی برقرار کردن ارتباط قلبی انسان با خدای متعال. برای شناخت ارتباط قلبی، باید ابتدا این پرسش پاسخ داده شود که منظور از قلب چیست؟

۱-۴. قلب به مثابه کانون معنویت در اندیشه علامه مصباح یزدی

علامه مصباح یزدی در جلد اول کتاب/اخلاق در قرآن به این موضوع پرداخته است. اصطلاحات قرآنی را که در این زمینه بیان شده را مورد واکاوی قرار داده و نتیجه کار را چنین بیان می‌دارد: «قلب» به اصطلاح قرآن، موجودی است که این‌گونه کارها را انجام می‌دهد: درک می‌کند، می‌اندیشد، مرکز عواطف است، تصمیم می‌گیرد، دوستی و دشمنی می‌کند و... شاید بتوان ادعا کرد که منظور از قلب همان روح و نفس انسانی است که می‌تواند منشأ همه صفات عالی و ویژگی‌های انسانی باشد، چنان‌که نیز می‌تواند منشأ سقوط انسان و ردایل انسانی باشد و شاید بتوان این حقیقت را ادعا کرد که هیچ بُعدی از ابعاد نفس انسانی و صفاتی از صفات و یا کاری از کارهای روح انسانی را نمی‌توان یافت که قابل استناد به قلب نباشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱الف، ص ۲۳۴).

حال که تعریف معنویت روشن شد، باید به این سؤال پاسخ داده شود که در معنویت اسلامی، اختیار چه جایگاهی دارد؟ آیا اگر کسی بدون اختیار، مثلاً به خاطر اتفاقاتی که در اختیار و اراده او نیست، توجه قلبی به خدا پیدا کند، معنویت محسوب می‌شود یا خیر؟

۲. اختیار انسان در فرایند معنویت

بر اساس تعریف عام معنویت، قطعاً کسی که بدون اختیار یک تجربه معنوی را درک کرده و نفحات دهری شامل حالش شده و ارتباط قلبی با خدای متعال برقرار کرده، دارای معنویت است. آیا در معنویت اسلامی نیز معنویت به‌شمار می‌رود؟

۲-۱. جایگاه اختیار در تحقق معنویت اسلامی

می‌توان گفت بر اساس نظر علامه مصباح یزدی که فقط معنویت اسلامی را معنویت حقیقی می‌دانست، نفحات

دهری که بدون اختیار بوده نیز معنویت محسوب می‌شود؛ زیرا شخص، ارتباط قلبی با خدای متعال برقرار کرده است، ولی اینکه آیا این ارتباط قلبی و معنوی دارای ارزش معنوی نیز می‌باشد؟ جملائی از ایشان وجود دارد که بین دو صورت تفصیل قائل شده است:

صورت اول: شخص بعد از درک نفحات، از آن استفاده نکند، اثر معنوی ندارد.

صورت دوم: شخص بعد از درک نفحات، از آن استفاده کند، اثر معنوی دارد.

این مطلب در جاهای مختلفی به اشکال گوناگونی بیان شده است که در ادامه برخی از آنان بیان می‌شود.

در کتاب به سوی خودسازی می‌فرماید: هنگامی که نفحاتی وزیدن گرفت، اگر شخص از آن نفحات استفاده کرد، آثار معنوی برای او دارد، اگر استفاده نکرد، اولاً این حالات بدون اینکه اثری بر جای بگذارند از بین می‌روند و دیگر باز نمی‌گردند. ثانیاً فرد، دچار کفران نعمت شده است، چون این حالات، بهترین نعمت‌های خداوند متعال هستند (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۴-۲۰۶).

در جای دیگری می‌فرماید: کسی که برای رسیدن به کمال از استعدادها و قابلیت‌های مادی و معنوی استفاده نماید، همواره از فیض و عنایت الهی برخوردار می‌شود، اما اگر استفاده نکرد و در جهت انحطاط و سقوط به کار بست، خدای متعال او را به خود واگذار می‌کند و از عنایت خود محروم می‌سازد، از این رو دچار وسوسه‌ها و افکار شیطانی شده و استعدادهایش نابود می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۵).

همان‌طور که از ظاهر این عبارات به دست می‌آید نفحات را خداوند متعال برای افراد رقم می‌زند، اما این سؤال به ذهن خطور می‌کند که آیا انسان با اختیار خود باعث شده که خدای متعال نفحات را شامل حالش فرماید یا اینکه خدای متعال بدون حساب و کتاب و به هر کس که دوست داشته باشد افراد را بهره‌مند می‌کند؟

با توجه به برخی عبارات، چنین به نظر می‌رسد که اعمال اختیاری انسان باعث می‌شود که خدای متعال حالات معنوی را روزی آنان نماید. بخش‌هایی از کتاب به سوی خودسازی این مطلب را تأیید می‌نماید. ایشان درباره کیفیت جذبه‌های عرفا می‌فرماید: عرفا می‌گویند گاهی در مسیر قرب الی الله، جذبه‌هایی رخ می‌دهد که فرد را از توجه به ماسوی الله باز می‌دارد، اگرچه زمینه‌های دریافت این جذبه را خود فرد ایجاد می‌کند، اما پیدایش این جذبه‌ها اختیاری نیست: «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ» (مائده: ۵۴)، حالت شیفتگی و شیدایی الهی برای آنان رخ می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۴). امام حسین علیه السلام در «دعای عرفه» از خداوند می‌خواهد که سلوکشان مجذوبانه باشد و در عین حال که از افاضه جذبه الهی برخوردار می‌شود اختیار از ایشان سلب نشود. اگر اختیار از او سلب نشود، جذبه در تکامل او نقش بیشتری دارد؛ زیرا اگر بر اثر اعمال شایسته و ایجاد زمینه‌های لازم و با عنایت و توفیق الهی جذبه برای او حاصل شود و انسان در اثنای آن بی‌اختیار می‌گردد، یک عمل انسانی و فعلی اختیاری نیست و شاید همان جذبه، چندان اثری در تکامل سالک نداشته نباشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۴).

در اینجا اشاره به چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

الف) جذبه‌ها در مرتبهٔ اوج قرار دارند و حالات معنوی در مرتبهٔ ابتدایی هستند و در هر دو باید زمینه را خود انسان فراهم نماید.

ب) جذبه به خاطر اعمال شایسته بوده و از این رو عمل شخص پیش‌زمینهٔ اعطای جذبه از سوی خدای متعال به او شد که اگر عمل شخص نبود جذبه اتفاق نمی‌افتاد.

ج) جذبه اگر اختیاری نباشد ارزش معنوی ندارد.

حال که مشخص شد که اعمال اختیاری انسان باعث بهره‌مندی از حالات معنوی می‌شود، پس خدای متعال در این زمینه چه نقشی دارد؟

جدای از اینکه خالق متعال فاعل علی‌الاطلاق است، اگر نازی کند فرو ریزند محمل‌ها. خدا شرایط را برای همهٔ انسان‌ها مهیا فرموده و آنان را مختار آفرید تا با استفاده از شرایط آماده و با اختیار خود راه کمال را بجوید. هر کمالی هر قدر هم کم باشد از راه عمل اختیاری حاصل می‌شود. در ادامه به استعدادها و مختلف یا همان زمینه‌ها و شرایط مساعدی که خداوند برای انسان مهیا ساخته پرداخته می‌شود.

۲-۲. نقد تلقی خودشکوفایی در کمالات معنوی از منظر علامه مصباح یزدی

در وجود انسان دو نوع غریزه و میل وجود دارد: برخی خودبه‌خود شکوفا می‌شوند که همان امیال طبیعی هستند و برخی را انسان باید با اختیار خود آنها را شکوفا نماید. علامه مصباح یزدی در این زمینه می‌فرماید:

غریزه‌ها و امیال طبیعی به‌خودی‌خود شکوفا می‌شوند و نیازی ندارند که کسی آنان را شکوفا نماید، مثلاً هنگام تولد نوزاد، گرسنگی همراه او وجود دارد. وقتی به بلوغ رسید غریزه جنسی او خودبه‌خود شکوفا می‌شود و انسان راه ارضای آن را می‌یابد، اما کمالات معنوی از این سنخ نیستند و با این امیال تفاوت دارند (مصباح یزدی، ۱۳۹۹ الف، ص ۱۵۲)

اولاً خودبه‌خود شکوفا نمی‌شوند و نیاز دارند که آنها را شکوفا کرد؛

ثانیاً باید پس از اینکه فرد، موضوع، متعلق و مورد آنان را شناخت، باید اِعمال اختیار نماید، یعنی اندک اندک که میلی در شخصی پدیدار شد باید تصمیم بگیرد که قدم‌های دیگر را بردارد تا به مرحلهٔ نهایی برسد (مصباح یزدی، ۱۳۹۹ الف، ص ۱۵۲)؛ یعنی انسان باید با اختیار خودش، راه کمال را ببیماید. البته زمینه‌هایی نیز از طرف خدای متعال برای او مهیا می‌شود و راه را برای رسیدن به مقصد هموار می‌سازد.

۳. نقش هدایت و فراهم‌سازی الهی در معنویت

خدای متعال در سورهٔ «انسان» می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان: ۳)؛ ما راه را به انسان نشان دادیم، حال می‌خواهد شکرگزار، و یا کافر شود. با توجه به این آیه، راه رسیدن به رشد و کمال از طرف خداوند منان مشخص شده، و این انسان است که باید از آنها بهره‌مند شود.

۳-۱. فراهم‌سازی شرایط رشد معنوی از سوی خداوند

الف. امکانات و شرایط مادی

از آنجاکه انسان برای اینکه بتواند معنویت کسب نماید، باید زنده و دارای قدرت باشد و برای رفع اینها نیازمند امکانات مادی است. خداوند متعال قبل از اینکه انسان را خلق نماید، نیازهای مادی او را آماده کرده است. اما برخورداری از امکانات مادی به‌تنهایی کافی نیست. انسان باید اعمال عبادی را با اختیار خود انجام دهد تا از معنویت برخوردار شود. علامه مصباح یزدی می‌فرماید: از آیاتی که سفارش به خوردن کرده، سپس می‌فرماید: «واشکروا لله»، و یا اینکه می‌فرماید: «لعلکم تشکرون» مشخص می‌شود که هدف خدا از خلقت این نعمت‌ها، علاوه بر رفع نیاز مادی، برای رسیدن به کمال معنوی است، چون مردم ولی نعمت خود را شکر می‌کنند و شکر، یکی از اقسام عبادات است که انسان را به کمال می‌رساند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۲، ص ۱۹۹). این عمل شکرگزاری نیز به نوبه خود، انسان را تعالی می‌بخشد و کمال معنوی برایش ایجاد می‌کند. بنابراین، از این آیات می‌توان فهمید که استفاده از ماکولات و مشروبات نیز مثل استفاده از سایر نعمت‌های خداوند اگر به انگیزه شکر باشد، علاوه بر ارزش مادی آن، در تأمین نیازهای جسمی انسان، دارای ارزش مثبت اخلاقی و معنوی نیز خواهد بود و کمال معنوی انسان را به همراه خواهد آورد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۲، ص ۱۹۹).

ب. امیال و گرایش‌های معنوی

یکی از استعدادهای خدادادی مورد نیاز کسب معنویت، امیال معنوی هستند که خدای متعال در نوع انسان‌ها به ودیعه گذاشته است. امیال در روان‌شناسی دو دسته هستند: یک دسته برای تأمین نیازهای مادی (غریزه تغذیه و میل به غذا، غریزه و میل جنسی...)، اینها هدف زندگی نیستند. دسته دیگر امیال اصیلی که در درون انسان وجود دارند و فرامادی هستند، این امیال برای تأمین کمالات معنوی و برای شناخت هدف نهایی خلقت و رسیدن به کمال نهایی انسان در نظر گرفته شده‌اند. همه انسان‌ها به‌طور مساوی از این میل‌ها برخوردار هستند و محدود به افراد خاص یا مکان و زمان خاصی ندارند. بی‌نیاهیت هستند و انسان را به سوی بی‌نیاهیت می‌کشانند. یکی از مهم‌ترین اختلافات بین انسان و حیوان، همین میل به بی‌نیاهیت است. حتی فیلسوفان غیرالهی نیز آن را قبول دارند. امیال باطنی به کمک جوارح دیگری که نوع بشر دارا است، انسان را به سوی معنویت می‌کشاند (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۹۷-۹۸).

ج. قوا و ابزار باطنی و هدایت بیرونی

جوارح باطنی نیز از جمله اسباب کسب معنویت هستند. همان‌طور که خدای متعال به انسان، چشم و گوش ظاهری داده است، چشم و گوش باطنی نیز عطا فرموده است. اگر چشم ظاهری آفت‌زده نباشد، می‌تواند ببیند. البته باید نوری باشد که آن جسم به چشم برسد تا شیء مورد نظر دیده شود. چشم باطن هم همین‌طور است. خداوند استعداد

بهره‌مندی از چشم باطن را به همه داده است، اما چون برخی از آن استفاده نمی‌کنند کور می‌شوند. سپس باید نور هدایت بیرونی از طرف خدای متعال، توسط رسولانش بر محیط حقایق و معارف معنوی و باطنی بتابد تا امکان مشاهده معنوی فراهم شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۶۵). این اسباب نیز الطافی است که خداوند حکیم برای همه افراد مهیا کرده است، ولی اینها نیز به‌تنهایی کفایت نمی‌کند، از این‌رو علامات و نشانه‌های معنوی برای تشخیص راه حقیقت نیز در اختیار انسان قرار داده شده است.

د. نشانه‌ها و الهامات معنوی

از آیات و روایات به دست می‌آید که در دنیا، انسان‌ها به سمت مقصد نهایی که همان قرب الهی است در حرکت هستند که اگر راه را بشناسند و عزم خود را برای پیمودن این راه، جزم نمایند به مقصد می‌رسند. خدای متعال از سرِ لطف و عنایت به بندگانش، علامت‌ها و نشانه‌هایی برای آنان قرار داده تا به کمک آنها راه‌ها و مسیرهای زندگی را پیدا نمایند. همان‌طور که خداوند در دنیای مادی، کوه‌ها و ستارگان را علامت و نشانه قرار داده است که راه را گم نکنند، برای سیر معنوی نیز نشانه‌ها و علاماتی قرار داده تا بندگان خدا به سوی کمال نهایی هدایت شوند. طبق مفاد بسیاری از روایات، علامات همان وجود مقدس چهارده معصوم علیهم‌السلام هستند. روایتی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که در مورد «وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ» می‌فرماید: منظور از نجم، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مقصود از نشانه‌ها ائمه اطهار علیهم‌السلام هستند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۵-۲۱۶). خدای متعال علاوه بر این نعمت‌ها، گرایش فطری به خودش را نیز در وجود انسان نهادینه کرده است.

هـ. گرایش فطری انسان به خداوند

امیال و دلبستگی‌های زیادی در درون انسان به ودیعه نهاده شده است. علامه مصباح یزدی می‌فرماید: یکی از این امیال، که بر دیگر امیال برتری دارد، دلبستگی و میل به خدا است. بسیاری از روان‌شناسان با این میل آشنایی ندارند و برای آنها مغفول مانده است. میل به خدا، از نوع عواطف و احساسات نیست، بلکه از هر دو لطیف‌تر و نهان‌تر است. کمال نهایی انسان به آن وابسته بوده و لذا شکوفا کردن آن، به دست خود انسان و اختیاری است (مصباح یزدی، ۱۳۹۹ الف، ص ۱۵۲).

خداوند متعال این امکانات را در وجود انسان قرار داده است و راه کمال و سعادت را نیز به ایشان نمایانده، حال انسان باید با اختیار خود به سوی شکوفایی کمالات معنوی قدم بردارد.

۴. کمال و غایت سلوک معنوی

از آنجاکه انسان موجودی مختار است و برای کارهای خود یک هدفی را دنبال می‌نماید. هنگامی که در مسیر معنویت و کمال قدم برمی‌دارد، نیز دارای هدف است. تمام سختی‌ها را به جان می‌خرد تا به آن هدف برسد، اما این غایت و کمال معنوی چیست؟

۴-۱. کمال معنوی در اندیشه علامه مصباح یزدی

در معنویت اسلامی کمال، «تقرب الی الله» است. منظور از قرب چیست؟

آیت الله مصباح یزدی می‌فرماید: قرب سه معنا دارد: (۱) قرب اعتباری؛ (۲) قرب فلسفی؛ (۳) قرب ارزشی و اخلاقی (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۳۴۵).

ایشان در جای دیگری چنین می‌فرمایند: قرآن کریم کمال نهایی انسان را قرب الهی معرفی می‌کند، منظور از قرب و نزدیکی، نزدیکی زمانی یا مکانی نیست، چون بین دو موجود مادی برقرار می‌شود. این قرب یک امر تشریفاتی هم نیست، بلکه یک منشأ تکوینی دارد و یک قرب وجودی است. قرب، رابطه‌ای بین خدا و انسان است که تکویناً حاصل می‌شود. کیفیت آن چگونه است؟ آیا رابطه‌ی علی و معلولی است یا خیر؟ رابطه‌ی علی و معلولی بین خدا و آفریدگانش برقرار است، اما این ملاک ارزش نیست، چون یک امر اکتسابی نیست. آیا قرب یک رابطه‌ی علمی ذهنی است؛ یعنی هر انسانی که معرفتش نسبت به خدا بیشتر، و قضایای بیشتر و درست‌تری نسبت به خدا بداند مقرب‌تر است؟ این نظر نیز با پیشش اسلامی همخوانی ندارد و قابل مناقشه است. دانستن مفاهیم ذهنی، کمال نسبی نسبت به افرادی که اینها را ندارند، را دارد. اما دلیل کمال نهایی فرد نمی‌شود. قرب اعتباری و قرب فلسفی ارتباطی با علم و آگاهی و شناخت افراد ندارد. خدا با جمادات هم همین رابطه‌ی نزدیک را دارد. وجود تمامی ممکنات، چه بخواهند و چه نخواهند و چه بدانند و چه ندانند، وابسته به اراده خدا است (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۳۴۳). بالاخره قرب به چه معناست؟ منظور از قرب مورد بحث، قربی است که نقص اصلی آن را، علم و اراده فرد ایفا می‌نماید؛ یعنی حاصل شناخت، اراده و آگاهی انسان است. در نتیجه، ممکن است همه انسان‌ها چون اختیار و اراده آزاد دارند راه قرب را انتخاب نکنند و همان‌طور که بیان شد منظور از نزدیک شدن انسان به پرودگار عالم، نزدیکی مکانی و جسمی نیست، بلکه تقرب روحی است و روح انسان به خداوند متعال نزدیک می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۳۴۸).

از آیات و روایاتی که در این زمینه نقل شده و می‌توان با عقل و فلسفه آنها را تحلیل کرد، چنین به دست می‌آید که روح انسان با انجام اعمال خاصی، رابطه‌ی وجودی قوی‌تری با خداوند متعال برقرار می‌کند و این رابطه امری حقیقی و تکوینی است، اما باید آن را با اختیار خود کسب نماید. این رابطه باعث می‌شود خود جوهر نفس انسان کامل‌تر گردد و هرچه کمال نفس افزایش یابد، لذت‌هایش بیشتر می‌شود. انسان برای اینکه به کمال نهایی برسد باید این رابطه‌ی وجود با خدای متعال را تقویت نماید. به این صورت که علم حضوری نفس به خداوند متعال زیاده‌تر شود. هر اندازه که شدت، قوت و ظهور وجودی بیشتری داشته باشد نزدیکی انسان به خدای متعال بیشتر خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۳۴۳-۳۴۵).

حال که مقصود از قرب الی الله را فهمیدیم، این سؤال به ذهن خطور خواهد کرد که از چه راهی می‌توان به قرب الی الله رسید؟

الف. مسیر تقرب الهی در معنویت اسلامی

بر اساس آیات و روایات، تنها راه رسیدن به کمال، یعنی قرب الی الله عبادت است: «ما خلقت الجن الانس الا ليعبدون» (ذاریات: ۵۶). انسان در سایه عبادت به هدف نهایی خلقت، یعنی قرب الی الله می‌رسد. در این آیه مایه نافی و الا استثنائی به کار رفته است که در زبان عربی، برای حصر را حصر به کار می‌رود. عبادت در اینجا یعنی انسان همه کارها و رفتارهای اختیاری خود را برای اطاعت از فرمان خدا و برای رضای او «قربةً الی الله» انجام دهد، هر راه دیگری غیر از این، راه شیطان است (مصباح یزدی، ۱۳۹۹ ب، ص ۴۷-۴۸).

قرب الی الله نقطه آغازی دارد. گاهی اوقات، شروع آن با یک عمل غیراختیاری است. همان طور که قبلاً بیان شد، برخی اوقات، نسیم‌های معنوی‌ای از جانب خدای متعال به سمت افرادی می‌وزد. آیا این نسیم‌های رحمت الهی بدون پیش‌زمینه است و خداوند متعال هر وقت که خواست آنها را برای همه افراد منتشر می‌سازد یا اینکه باید افراد با انجام اعمالی، شایستگی آن را کسب کرده باشند؟ به عبارت دیگر، نفعاتی که شامل حال افراد می‌شود و آنان باید آن نفعات را بگیرند، وگرنه دچار کفران نعمت شده‌اند و باعث سقوط آنها می‌شود، یعنی با عمل اختیاری خود آنها را دربر بگیرند. آیا خود این نفعات بدون حساب و کتاب است؟ یعنی خدای متعال به هر کس بخواهد می‌دهد؟ یا نه، باید فرد با عمل اختیاری خود کاری کرده باشد که شایستگی دریافت آن را پیدا کند؟

۵. مصادیق مشمولیت عنایات الهی

۵-۱. حقیقت «نسیم‌های رحمت الهی» در سلوک معنوی

با توجه به برخی از عبارات آثار علامه مصباح یزدی چنین به نظر می‌رسد که این نفعات عمومی نیست و به خاطر وجود شایستگی‌های خاصی که برخی افراد دارند، این نفعات و عنایات الهی را دریافت می‌کنند. همان طور که نقل شد عرفا معتقدند که زمینه جذب را خود انسان باید فراهم نماید تا جذب برای انسان حاصل شود و نفعات شامل حالش شود. علاوه بر آن، امور ذیل می‌تواند باعث دریافت نفعات شود:

سکینه و آرامش قلبی: خداوند متعال همان طور که نعمت‌های مادی دارد، نعمت‌های معنوی نیز دارد که بر افراد مخصوصی نازل می‌فرماید. او نعمت‌های معنوی خاصی را به مؤمنان اختصاص داده است. یکی از این نعمت‌ها سکینه و آرامش در زمان بحران و اضطراب است. این نعمت‌ها بی‌حساب و کتاب به کسی داده نمی‌شود، بلکه باید افراد لیاقت و استعداد خاصی در خود ایجاد نمایند تا مشمول دریافت آن شوند. اگر کسی در مسیر تقرب به خدای متعال حرکت نماید، خداوند به او کمک کرده، اگر او یک قدم بردارد، خداوند ده قدم برمی‌دارد. اما اگر در مسیر ضلالت قدم برداشت خداوند بر گمراهی‌اش می‌افزاید (مصباح یزدی، ۱۳۹۹ ب، ص ۱۶۱-۱۶۲).

طهارت قلب: علامه مصباح یزدی این روایت را نقل فرمودند، ما در پیشگاه خداوند نوری بودیم، پیش از اینکه عالم را بیافریند. هنگامی که خداوند خلاق را آفرید، ما تسبیح گفتیم و آنها آموختند و تسبیح

گفتند، و ما تهلیل گفتیم و آنها آموختند و تهلیل گفتند، و ما تکبیر گفتیم و آنها آموختند و تکبیر گفتند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۵، ص ۲۴).

در تفسیر تبعیت خلق از تسبیح نور مقدس چهارده معصوم فرمودند دو احتمال وجود دارد:
الف) در عالم انوار، تسبیح و تهلیل را آموختند و در همانجا تسبیح و تهلیل گفتند.

هر کسی تا روز قیامت تهلیل، تکبیر و تسبیح خداوند بگوید به برکت اذکار چهارده معصوم علیهم السلام است. ایشان همین معنای دوم را صحیح شمردند و آن را مستفاد از روایات دانستند. برای تأیید سخن خویش این روایت را نقل فرمودند: «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامٍ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا»؛ از جانب خدای شما نسیم‌هایی برایتان می‌وزند؛ آگاه باشید که خود را در معرض آن نسیم‌ها قرار دهید. می‌فرماید: گاهی انسان احساس می‌کند که دوست دارد خدا را عبادت کند، اما گاهی هیچ حس و حالی برای عبادت ندارد. از روایات چنین به دست می‌آید که این نسیم‌های رحمت را ملائکه رحمت می‌وزند و بی‌حسی و حالت اشمئزاز از خوبی‌ها از وسوسه شیطانی است که شیطان پخش می‌کند. در ادامه می‌فرماید: در جمله‌ای از زیارت حضرت ولی عصر علیه السلام روشن می‌شود که همه خوبی‌ها از برکت توجهات حضرت صاحب الزمان علیه السلام است. اوست که این انوار پاک را در عالم پخش می‌نماید، اما همه ظرفیت دریافت آن را ندارند و تنها دل‌های پاک آن را دریافت می‌کنند و به برکت آن، انگیزه کار خیر می‌یابند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱د، ج ۱، ص ۲۶۲-۲۶۴).

ایمان: در حدیث قدسی به حضرت داوود علیه السلام می‌فرماید: ای داوود، برای من خانه‌ای خالی کن تا در آن جای گیرم. همانا برای خدا در روزگارتان نسیم‌هایی است، آگاه باشید! در کمین آنها بنشینید و آنها را به دست آورید. (گاهی انسان با اصرار رقیقش، بدون اینکه میل و علاقه یا تصمیمی برای رفتن به مجلس سیدالشهدا داشته باشد شرکت می‌کند و دلش نورانی و معنوی می‌شود. یا اینکه انسان گناहانی انجام داده که مستحق عذاب شده، اما وجود ایمان باعث می‌شود که لایق شود و شفاعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله شامل حالش شود. این ایمان باعث نجاتش شده است، انسان باید سعی کند ایمان خود را تا آخر عمر حفظ نماید و در حالت خوف و رجا قرار گیرد و خود را در مسیر رحمت الهی قرار دهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱و، ج ۲، ص ۱۳۷-۱۳۸).

انجام برخی اعمال باعث می‌شود افراد مشمول رحمت الهی واقع شده و نفحات معنوی به سوی او سرازیر شوند که اگر خوب از آنها استفاده کرد زمینه رشد معنوی خویش را فراهم کرده و به درجات بالاتر صعود می‌نماید، یعنی عمل اختیاری انسان باعث دریافت این نعمت بزرگ الهی شده است.

سؤال: آیا انسان با اختیاری که دارد همه‌کاره است و خداوند متعال هیچ نقشی در این زمینه ندارد؟

جواب: خیر. خداوند نعمت‌هایی برای رشد و شکوفایی و رسیدن به کمال در اختیار انسان قرار داده است، انسان باید از روی اختیار راه سعادت را ببیماید، اما خود را هیچ‌کاره ببیند و خدا را همه‌کاره عالم بداند تمام توجهش به عنایات الهی باشد، او وظیفه دارد به تکلیف خود عمل نماید و خدا نیز در راه رسیدن به هدفش او را یاری نماید.

علامه مصباح یزدی می‌فرماید: با خواندن مکرر سوره «حمد» این اعتقاد در انسان به وجود می‌آورد که در امور مادی و امور معنوی، هیچ کاری از غیر خدا ساخته نیست، اگر مشیت الهی نباشد، هیچ کاری انجام نمی‌شود. از روایات نیز همین سخن به دست می‌آید. حتی ایمان آوردن انسان نیز به دست خدا است. باید به این باور برسیم که خداوند تدبیرکننده عالم است، بدون اذن او کاری انجام نمی‌شود، از این رو از او یاری بخواهیم تا توفیق الهی را نصیب خود نماییم، راه جلب توفیق الهی، بر استفاده بهینه از نعمت‌های خدا به‌خصوص نعمت‌های معنوی است و ایجاد زمینه برای دریافت امدادهای معنوی به آن بستگی دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۳۰).

انسان در امور مادی و معنوی باید طبق تکلیف و وظیفه خود تلاش کند و نتیجه را به خداوند متعال واگذار نماید؛ زیرا هرچه خدا بخواهد همان می‌شود و این یک اصل مسلمی است در همه روزی‌های مادی مانند غذا، پوشاک، مسکن و... و در همه روزی‌های معنوی از جمله علم، معرفت، کمالات روحی و قلبی و... از این رو گاهی بدون تلاش روزی زیاد مادی و معنوی به افرادی می‌رسد که هیچ کس فکرش را هم نمی‌کرد. ایشان روایت «لَنْ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامٍ دَهْرُكُمْ نَفَحَاتٍ» را نقل کرده و می‌فرماید: گاهی خداوند جذبه‌های معنوی به کسانی می‌دهد که زیاد زحمت نکشیده‌اند، اما کسانی که مدت‌ها برای آن تلاش می‌کردند، اما نصیبشان نمی‌شود. ما باید تلاش کنیم، اما روزی مادی و معنوی به دست خدای متعال است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۱۶۲-۱۶۳).

ما هر چه داریم از خدای متعال است، خداوند نعمت‌های مادی و نعمت‌های معنوی خصوصاً هدایت را به تدریج به ما عنایت فرموده است. از این رو باید تمام نیازهای مادی و معنوی خود را از خدای متعال بخواهیم.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه بیان شد، تعریف معنویت از جمله اموری است که اختلاف‌نظرهایی در مورد آن وجود دارد. برخی آن را به گونه‌ای تعریف می‌کنند که حتی شامل معنویت‌های سکولار، یهودی، مسیحی، لائیک و... می‌شود، اما علامه مصباح یزدی تنها معنویت اسلامی را معنویت حقیقی می‌داند. معنویت از نظر ایشان، پیوند قلبی ارادی با خدای متعال است، اما خداوند برای برقراری این ارتباط، زمینه‌هایی را فراهم کرده است، از جمله امکانات مادی را در اختیار انسان قرار داده، امیال، جوارح باطنی و گرایش فطری به خدا را نهان انسان به ودیعه گذاشته است، علامات و نشانه‌های معنوی را نیز ایشان اعطا کرده است تا انسان با استفاده از این نعمت‌ها، توجه قلبی خود را به سوی خدای متعال روانه سازد و از برکات آن نیز برخوردار شود. خداوند بر اساس اعمال اختیاری که انسان انجام می‌دهد و شایستگی دریافت نفعات رحمانی را کسب می‌کنند آنها را از این نسیم‌های معنوی برخوردار می‌نماید. کسانی که حتی یک بار حالات معنوی را بدون اختیار تجربه می‌کنند، نیز به خاطر اعمالی بود که انجام داده است، اما کیفیت برخورداری از این حالات معنوی در اختیار او نیست و خدای متعال هر طور که خودش بخواهد آن را رقم می‌زند. این نسیم‌های معنوی، از جمله نعمت‌های خداوند متعال هستند. اگر افراد از آن استفاده کردند دارای ارزش معنوی است و برکات معنوی برای او به دنبال خواهد داشت، اما اگر افراد رویگردان شدند کفران کرده و ارزش معنوی ندارد.

منابع

قرآن کریم.

- بستانی، قواد و مهیار، رضا (۱۳۷۵). فرهنگ ایجادی. چ دوم. تهران: اسلامی.
- پژوهشکده تحقیقات اسلامی (۱۳۹۰). معنویت اسلامی (جیستی، چرایی و چگونگی). قم: زمزم هدایت.
- رستگار، عباسعلی (۱۳۸۹). معنویت در سازمان با رویکرد روان‌شناختی. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- سهرابی‌فر، وحید و دیگران (۱۴۰۲). درآمدی بر مطالعات معنویت در علوم انسانی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- غفاری قره‌باغ، سیداحمد (۱۴۰۰). معنویت و دین (بررسی استدلال‌های ناسازگارگرایان). چ دوم. قم: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). بحار الانوار. بیروت: مؤسسة الوفاء.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). به سوی خودسازی. نگارش کریم سبحانی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲). کاوش‌ها و چالش‌ها. تحقیق و نگارش محمد مهدی نادری قمی و سیدابراهیم حسینی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳). به سوی تو. تحقیق و نگارش کریم سبحانی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱الف). اخلاق در قرآن. تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ب). پرسش‌ها و پاسخ‌ها. چ هشتم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ج). پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی. تحقیق و نگارش غلامرضا متقی‌فر. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱د). رساترین دادخواهی و روشنگری؛ شرح خطبه حضرت زهراى مرضیه. معروف به خطبه فدکیه). تدوین و نگارش عباس گرای. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱و). سجاده‌های سلوک: شرح مناجات‌های امام سجاد. تدوین و نگارش کریم سبحانی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). بهترین‌ها و بدترین‌ها از دیدگاه نهج البلاغه. تدوین و نگارش کریم سبحانی. چ پنجم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). بند جاوید: شرح وصیت امیرالمؤمنین به فرزندش امام حسن مجتبی. نگارش علی زینتی. چ پنجم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۸الف). در جستجوی عرفان اسلامی. تدوین و نگارش محمد مهدی نادری قمی. چ هفتم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۸ب). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی. چ ششم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۹الف). انسان‌شناسی در قرآن. تنظیم و تدوین محمود فتحعلی. چ هفتم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۹ب). آئین پرواز. چ نهم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.